

محمود جام‌ساز، اقتصاددان، مشکلات موجود را تحت تأثیر اقتصاد به‌شدت دولتی می‌داند

رفع کسری بودجه در چاله بزرگ تورم

دولت با حذف ارز چهار هزار و ۲۰۰ تومانی ماهانه حدود ۲۹ هزار میلیارد تومان درآمد خواهد داشت که با این حساب در مدت ۱۰ ماه می‌تواند با حذف ارز چهار هزار و ۲۰۰ تومانی چیزی حدود ۶۰ درصد درآمدهای برآورده‌شده نفتی یا ۵۵ درصد درآمدهای برآورده‌شده مالیاتی را به دست آورد...

صفحه ۴

سرمقاله

مسدودسازی توسعه با شعار دادن!



امیر ناظمی

تورم، بی‌کاری و تحریم بین‌المللی شده‌اند ویژگی چند دهه اخیر ایران امروز. صرف‌نظر از دولت‌ها، افراد یا سیاست‌های اعلامی، باید پذیرفت که ایران امروز درگیر این بیماری‌های سخت‌درمان است. کافی است به این بیماری‌های زمینه‌ای، هرازگاهی آتش‌گرفتن یا فروریختن ساختمانی هم افزوده شود تا بحران کارآمدی را تبدیل به اصلی‌ترین بحران مدیریتی در ایران کند. دولت آقای رئیسی اما همچنان باور نکرده که انتخابات یک سال است تمام شده است. هنوز وزرای این کابینه فکر می‌کنند در یک نمایش تلویزیونی نشست‌اند و باید حرف‌های مهیج بزنند و وعده‌های عجیب مانند ایجاد شغل با یک میلیون تومان یا درج قیمت تولیدکننده روی کالاها را بدهند یا هزار ایده‌ای که مشخص نیست از کدام نظریه برآمده، در کجا آزمون عملی شده است یا...

راه فراری که فرار را سخت خواهد کرد!

ساده‌ترین راه فرار برای دولت امروز، انداختن تقصیرها گردن دولت قبل است. دولتی که فکر می‌کند با پشتیبانی لشکری فجاری می‌تواند اقتصاد، سیاست و اجتماع را مدیریت و حکمرانی کند. همان‌گونه که حدادعدل چند روز پیش گفت: «ما اول انقلاب فکر می‌کردیم اگر رادیو و تلویزیون دست ما باشد، تمام است». حالا هم دنباله‌روهای انقلابیون کهنسال، گروهی از جوانان نواصوگرایی هستند که فکر می‌کنند با یک لشکر فجاری می‌توانند «کارآمدی» را جایگزین بیماری‌های سخت‌درمان کنند. اصطلاح‌هایی مانند «بانیان وضع موجود» یا «محاکمه روحانی»، برآمده از همین نگاه‌های ساده‌اندیشانه‌ای است که تصور می‌کند با گفتن اینکه مشکل مربوط به دولت قبل (و نه دولت‌های قبل) است، می‌تواند برای خودش «سرمایه اجتماعی» یا «کارآمدی» بخرد. آنها فراموش کرده‌اند که یک سال از انتخابات گذشته و تورم همین دوره کوتاه دولت جدید، به اندازه چند سال در گذشته بوده است. آنها فراموش کرده‌اند که این شعارها در نهایت آنها را در دو موقعیت سخت قرار خواهد داد:

۱- انتقال مشکل امروز به مشکل بزرگ‌تر فردا: شرکت ناکارآمدی را تصور کنید که برای هزینه‌هایش مدام با بانک یا افراد وام می‌گیرد؛ او تنها با وام‌گرفتن مشکل امروز را به تعویق می‌اندازد. اگر این شرکت نتواند کارآمد شود، تنها توانسته «مشکل بزرگ امروز» خود را به «مشکل خیلی بزرگ فردا» تبدیل کند. به این ترتیب این شعارها به سرعت تبدیل به محور تمسخر و ناکارآمدی خواهد شد. اصلا فرض کنید یکی، دو سالی هم گفتید مشکلات از پشتیبان بوده است، پس از آن چه؟

۲- مسدودسازی توسعه: اما مشکل اصلی در پیش‌فرض‌هایی است که این دولت در حال عمومی‌سازی آن است. پیش‌فرض کلیدی که در پس تمام این شعارها در حال تولید است، این گزاره است: «در یک محیط ناکارآمد، امکان فعالیت‌های کارآمد امکان‌ناپذیر است». آنها در تلاش هستند تا ابتدا با حمله به شخص حسن روحانی و ارائه تصویری اغراق‌شده از او و برچسب‌زنی به او، از روحانی مشروعیت‌زدایی کنند. در قدم دوم، این مشروعیت‌زدایی را در قالب برچسب ناکارآمدی به کل دولت او تسری دهند. به این ترتیب، به این گزاره کلیدی دست یابند که «در دولت واداده روحانی، هیچ کار درستی انجام نشده است و هیچ داستان موفقیتی وجود ندارد». همه مشکل آن است که این راهبرد حزبی‌شان، راهبردی غیرملی است. این گزاره تقویت همان گزاره برانداخته است که «هیچ‌گونه کارآمدی در یک نظام حکمرانی ناکارآمد امکان‌پذیر نیست!». همدستی آشکار راهبردهای نواصولگرایان و اصولگرایان تندرو با راهبردهای برانداخته، برآمده از یک برآورد اشتباه در میان اصولگرایان است؛ راهبرد اشتباهی که می‌تواند زیست شهروندان را در آینده‌ای نزدیک با چالش روبه‌رو کند. این راهبرد اشتباه، روی دیگر اشتباه اصلاح‌طلبان بود که با شعار «فشار از پایین، چانه‌زنی از بالا» دوگانه‌سازی را عمق بخشیدند.

راستی آرام‌لی یک‌داغا

راهبرد «اینجا کسی موفق نیست»، محور گفتمان نواصولگرایان شده است. آنان که هشت سال با پمپاژ ناامیدی به جامعه تلاش کردند هر موفقیتی را با برچسب‌هایی مانند اشتباه، غرب‌زدگی، وادادگی، خیانت به انقلاب یا هزاران واژه دیگر تخریب کنند. فراموش کرده بودند که فردا خود قربانی این راهبرد اشتباه خواهند شد. اما آیا دانش بشری تأییدکننده این ادعاست که «هیچ‌گونه کارآمدی در یک نظام حکمرانی ناکارآمد امکان‌پذیر نیست»؟ این گزاره‌ای است که هم براندازان و هم نواصولگرایان هشت سال به طرز مستقیم و غیرمستقیم در جامعه گسترانده‌اند. اما مطالعات توسعه به ما نشان می‌دهد این گزاره نه‌تنها اشتباه است، بلکه یک پیش‌فرض ضدتوسعه است. پژوهش‌هایی که ابتدا در آمریکای لاتین و سپس در آفریقا انجام شد، منجر به شکل‌گیری مفهوم «کانون‌های اثربخشی (Pockets of Effectiveness یا PoE) شده است.

ادامه در صفحه ۲



سه‌شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۱ • ۷ ذی‌القعدة ۱۴۴۳ • ۷ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۹۶ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: فساد و ناکارآمدی از پلاسکو تا متروپل، واشنگتن برای تحریم نفت روسیه، ونزوئلا را وارد بازار نفت اروپا می‌کند و **یادداشت‌هایی از** اردوان امیراصلانی، عبدالرضا ناصرمقدسی، بهرام امیراحمدیان، امین عارف‌نیا

«شرق» اخلاص ۴ روزه در شبکه رایانه‌ای شهرداری را بررسی کرد

هک «بزهشت»؟

روز گذشته زاکانی دستور داد همه کامپیوترهای شهرداری خاموش بمانند

گزارش تیتربک را در صفحه ۸ بخوانید



یادمان بزرگداشت حجت‌الاسلام سید محمود دعایی

قلبی که هنوز می‌تپد...

با گفتاری از: علی‌اکبر صالحی، علی جنئی، مصطفی معین محسن آرمنی، احمدزآبادی، حمید میرزاده محمدخادی محمدتقی فاضلمبیدی، حمیدرضا زاهدی

یادداشت‌روزنامه‌نگاران

شیرین سخن بود نه سخن چین



نسرین وزیري

زالال بود، بی‌هیچ ملال، سفره‌دار بود نه چشته‌خوار. در عالم سیاستی که غالبا دوزیست‌اند، او ساده‌زیست بود. در میان پلشتی‌های روزگار، نیک‌سرشت ماند. اهل ثنا و دعا بود، نه ادعا. سیدمحمود دعایی را می‌گویم؛ سیدی که مرید راستین خمینی، امام امت بود و موتور انقلاب؛ از نجف تا جماران، یار همگام و همدل بود و هر هفته راهی حرمش می‌شد تا دیدار با معشوق را تازه کند. اهل مطایبه بود و عاری از کنایه، عهد اخوتش نه فقط با همنشینان خانه و گرمابه و گلستان، بلکه گستره‌ای تا منتهی‌الیه هیچستان داشت؛ هر راننده و درمانده بی‌پناهی می‌دانست که در جوارش حرمت و پناه خواهد داشت. اگر به جای فلان شورا و بهمان مجمع، او سوزن‌بان بود، کمتر کسی از آن به میل خود پیاده یا از آن اخراج می‌شد. رفاقتش رنگ رقابت نمی‌گرفت و دستگیر رفاقیی بود که در رقابت‌ها از عرش به فرش افتاده بودند. تولدهایی که هر سال برای برادرش سیدمحمد خاتمی می‌گرفت، نمازهایی که بر پیکر عزت‌الله و هاله سحابی و ابراهیم یزدی خواند، دفتری که برای محمدجواد ظریف در روزنامه اطلاعات برپا کرد و... تنها نمونه‌های محدودی از سخاوت و رفاقت دعایی عزیز بود.

مردی که بی‌تردید مصداق بلاشک تعهد به «جذب حداکثری» بود و حتی دفع حاق‌قسی را هم بی‌دلیل برنمی‌تابید، چه رسد به بهتان و بهانه. نه آنکه در آستانه انتخابات یا راهپیمایی‌ای شعارش را بدهد، بلکه ایمان داشت که ایران جایی برای همه ایرانیان است.

فرقی نمی‌کرد آشنای ۴۰ساله‌اش باشی یا اولین دیدارت را با او بگذرانی؛ با چنان خضوعی میزبان می‌شد که گویی سال‌هاست هم‌نفسش بوده‌ای. کافی بود شماره ۲۹۹۹۹ را بگیري و بگویی با آقای دعایی کار دارم؛ تلفن را شخصا جواب می‌داد؛ بی‌هیچ سلسله‌مراتب و منشی و خدم و حشمی. خودش بود و خودش. در دفترش شخصا پذیرایی می‌کرد، چای و دمنوش می‌آورد و انواع شکلات و شیرینی تعارف می‌کرد و تا نمی‌خوردی دست‌بردار نبود. اهل غیبت نبود و جز به نیکی از کسی یاد نمی‌کرد. شیرین‌سخن بود نه سخن‌چین. تاریخ مسجل انقلاب بود؛ بی‌هیچ رتوش و پوششی.

مرگ ناباورانه‌اش در روزی رقم خورد که انقلاب اسلامی در همان روز کلید خورده بود و یار راستین امام به مقتدایش پیوست. بی‌شک این انقلاب، یکی از عناصر کلیدی و مؤثرش را از دست داد و نه‌تنها دلسوزان نظام بلکه جامعه مطبوعاتی کشور نیز سوگوار مردی هستند که روزنامه‌اش برای همه جا داشت؛ از ملیون گرفته تا تندروهای انقلابی امروزی. اما کو تا دگر مادر گیتی چو او فرزند زباید! نه در میان یاران به‌جامانده از امام، کسی هم‌تای اوست و نه در سپهر مطبوعاتی کشور، مثالی دارد. ایران و مطبوعات، بدون دعایی، قطعا دچار خلأ بزرگی خواهد شد.

پیام تسلیت رهبر انقلاب به مناسبت درگذشت حجت‌الاسلام دعایی

رهبر انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت مبارز قدیمی و یار دیرین امام بزرگوار حجت‌الاسلام سیدمحمود دعایی را تسلیت گفتند. متن پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به این شرح است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم، درگذشت مبارز قدیمی و یار دیرین امام بزرگوار جناب حجت‌الاسلام آقای سیدمحمود دعایی رحمه الله علیه را به خاندان گرامی...

صفحه ۲

«شرق» از عملکرد مجلس یازدهمی‌ها در بعد نظارتی گزارش می‌دهد

سیل تحقیق و تفحص‌های بی‌نتیجه

۲

چگونه از شرکت خودروساز شکایت کنیم؟

۱۰

چراورزشکاران ایرانی از نداشتن غذای کافی گلایه دارند؟

جنجال عدس پلو

ورزش ایران روزهای پرتألهایی را سیری می‌کند. این التهاب مختص یکی، دو رشته خاص نیست و بیشتر رشته‌های ورزشی و ورزشکاران مربوطه به دلیل نبودن و نداشتن بودجه کافی، از اردوهای آماده‌سازی گلایه دارند. گو اینکه تعدادی از فدراسیون‌ها هم یا اوضاع مالی‌شان بهتر است یا اینکه مدیر بهتری بالای سر دارند و در تهیه مایحتاج اولیه که بخش اصلی آن تأمین غذای باکیفیت و به‌اندازه است، مشکلی ندارند. در ورزش حرفه‌ای این روزها، بحث تغذیه میجثی تخصصی و صداالبته بسیار مهم است. بسیاری از ورزشکاران حرفه‌ای در کنار فدراسیون‌های مختلف از متخصصان تغذیه در کنار تیم استفاده می‌کنند به این امید که کارایی ورزشکاران را بالاتر ببرند. این موضوع چندان شامل حال ورزشکاران ایرانی نمی‌شود. در سال‌های اخیر، چندین بار مشکلاتی همچون نبودن غذای کافی یا کیفیت پایین غذا، سروصدای ورزشکاران را که دست بر قضا بسیاری از آنها در زمره ورزشکاران ملی‌پوش هستند، درآورده است. تازه‌ترین آنها که تبدیل به جنجال شده مربوط به وضعیت تیم ملی ونزه‌برداری ایران است.

این گزارش را در صفحه ۹ بخوانید

یادداشت

چرا اطلاعات، کیهان نشد



حمیدرضا زاهدی

در تاریخ مطبوعات ایران نام‌هایی مانند حجت‌الاسلام دعایی استثنا به حساب می‌آیند. درحالی‌که اصولا پست عجیبی به نام نماینده امام در یک روزنامه امر غریبی بود اما دعایی تصویر دیگری از خود ارائه داد. او با ارائه تصویری خاص اطلاعات را از کیهان جدا کرد و این دستاورد مهمی بود که مردم و تحصیل‌کردگان از آن استقبال کردند.

با اینکه به‌عنوان یکی از کارکنان روزنامه اطلاعات انتقادهای زیادی از مدیریت داشتم، اما نمی‌توانم منکر شوم که همواره نقش او را به‌عنوان سدی مقابل کیهان‌شدن روزنامه اطلاعات ستودهام. او دریافته بود که در مقابل مردم هم مسئولیت دارد و همین از دعایی‌چهره یک روزنامه‌نگار که نه، چهره یک مدیر مطبوعاتی را ساخت. واقع امر را بگویم، سال‌ها کار از نزدیک با او سرشار از خاطرات تلخ و شیرین است؛ اما مهم‌ترین چیزی که از او می‌توان گفت، شخصیت خاص او بود که از بوسیدن دست هیچ‌کس از فرهنگیان ابا نداشت. به این اعتبار باید بگویم او به استعدادها میدان می‌داد و به جوان‌ها اعتنایی خاص داشت.

البته از این ضایعه متأسفم، اما این را هم بگویم که درباره نقاط مثبت و منفی او کتاب‌ها می‌توان نوشت. اینکه بر گور بسیاری از روشنفکران آثار اشک‌های او را می‌توان دید، نقشی است که تا ابد نام او را به‌عنوان یک عنصر فرهنگی زنده نگه می‌دارد.

یادش گرامی.

این اولین تجربه گفت‌وگو با حاتم قادری درباره ادبیات نیست، پیش از این نیز درباره رمان «روسلان وفادار» اثر گئورگی ولادیموف، با او به گفت‌وگو نشسته بودیم.
سوی این دو گفت‌وگو، حاتم قادری به طور جدی ادبیات داستانی معاصر را دنبال می‌کند و به‌راحتی از کنار کارهای خوب و قابل تامل نمی‌گذرد.

این بعد از شخصیت او همواره برای من غنیمت بوده است که هر زمان امکان گفت‌وگوهای سیاسی مهیا نیست، به میانجی ادبیات با یکدیگر به گفت‌وگو بنشینیم.
درواقع به‌جرت می‌توان گفت آنچه ما را با حاتم قادری پیوندی عمیق و وثیق می‌دهد، ادبیات است نه سیاست. برای همین وقتی گفت‌وگو با ما را پذیرفت، پیشنهاد کتاب «سنگی بر گوری» جلال آل‌احمد را بی‌تعلم پذیرفتم چراکه آل‌احمد از آن دست نویسندگانی است که بیش از هر کسي با سیاست به معنای واقعی آن نسبت دارد. آل‌احمد در کنار آثار ارزشمندی که خلق کرده مقالات تند و تیزی دارد که واکنش به مسائل سیاسی و اجتماعی است؛ مسائلی که دیگر روشنفکران در برابر آن سکوت اختیار کرده‌اند. گفت‌وگو با حاتم قادری را درباره آل‌احمد و اثر متفاوت و یکه او، «سنگی بر گوری» می‌خوانید.

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید

یادداشت

در سوگ دعایی



محمدتقی فاضلمبیدی

صبر بسیار
بباید پدر پیر فلک را / تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید
درگذشت بزرگمرد شرافت و نجابت و انسانیت و آزادگی و آزادی‌خواهی مرحوم حجت‌الاسلاموالمسلمین حاج سیدمحمود داعی، داغ سنگین و بار غمی بود که بر دل دوستان و جامعه فرهنگی، مطبوعاتی و هنری کشور برنشاند و این خسران جبران‌ناپذیر همه را به اندوه و ماتم فرو برد. سیره، سوابق، شجاعت و آزادگی، اخلاق، پاک‌اندیشی و پاک‌زیستی دعایی الگویی بود که همگان را شایسته و شائق خود می‌کرد. سال‌ها در عرصه مطبوعات و چند دوره در کسوت نمایندگی، او را از مسیر اعتدال و اخلاق و آزادگی و فروتنی دور نکرد. در تکريم و تعظیم و اعزاز عالمان، متفکران، هنرمندان و اصحاب هنر و فکر و قلم، همواره شتاب می‌ورزید. در این روزگار که گشتی ارباب فضل و هنر شکسته است، مرحوم دعایی صفحه سوم روزنامه اطلاعات را آینه قندمای این مظلومان مغموم کرده و نام و یاد آنان را در آن

روزنامه شرق در شهرستان‌ها

نماینده فعال می‌پذیرد

۸۶۰ ۳۶ ۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR